

کنگره وسیع حزب کمونیست اوکرائین

بسوی اتحاد دوباره

جمهوری های شورائی

ترجمه بهروز بکتاشی

کنگره حزب کمونیست جمهوری اوکرائین با شرکت نمایندگان کمیته اجرائی شورای اتحاد احزاب کمونیست اتحاد شوروی در "کیف" پایتخت جمهوری اوکرائین برگزار شد. در این کنگره نمایندگان شورای اتحاد احزاب کمونیست- حزب کمونیست اتحاد شوروی، نماینده کمیته مرکزی حزب کمونیست فدراتیو روسیه و شخص گنادی زیوگانف دبیر اول حزب کمونیست روسیه فدراتیو حضور داشتند.

نمایندگانی که در این کنگره حضور داشتند از جمله از جمهوری های آذربایجان، ارمنستان، بلاروس، گرجستان، قزاقستان، مولداوی، فدراتیو روسیه، اوکرائین بودند. در این کنگره وضعیت نظامی- سیاسی، اقتصادی- اجتماعی در شوروی سابق بررسی شد و قطعنامه ای "پیرامون لحظه کنونی و وظائف اتحاد احزاب کمونیست- حزب کمونیست اتحاد شوروی" صادر شد. در این قطعنامه آمده است:

۱- تضاد سیاست خیانت ملی توسط بورژوازی کلان، احزاب و دست نشانندگان آن در حکومت و نیروهای ملی- میهن پرست به رهبری احزاب کمونیست که در راه آزادی، استقلال جمهوری های سابق اتحاد شوروی که بطور خائنانه تخریب شده، علیه تجاوز امپریالیسم از سوی دیگر در حال تشدید است.

رژیم های حاکم برای تفرقه بین خلق ها، از جمله تفرقه بین اوکرائین، گرجستان، استونی و لیتوانی با خلق روس تلاش می کنند. رژیم های حاکم در جمهوری های بالتیک بدون نظر خواهی از خلق های خود به بلوک تجاوزگر آتلانتیک شمالی ملحق شده اند و بطور عملی استقلال خود را از دست داده اند. رژیم های حاکم در گرجستان و اوکرائین در صدد پیوستن به این بلوک در آینده بسیار نزدیک هستند. در جمهوری های آسیای میانه پایگاه های نظامی ناتو مستقر شده اند. رژیم روسیه اجازه استقرار نیروهای نظامی ناتو در سرزمین روس را داده است. میهن هر یک از ما در خطر است! یا ما تحت تاخت و تاز گلوبالیزاسیون امپریالیستی، نظم نوین جهانی بشیوه آمریکائی را می پذیریم و به کلونی مواد خام کشورهای «میلیارد طلائی» و بازار نیروی کار ارزان تبدیل می شویم و یا دولت متحد خود را می سازیم و با اتکاء به نیروی خویش، همانطور که در تاریخ بوده است، آزادی و استقلال خود را در خانواده دوستی خلق های برادر حفظ می کنیم.

ما اکیدا مخالف گلوبالیزاسیون امپریالیستی، مخالف پیوستن به ناتو هستیم و خواهان خروج نیروهای نظامی آن از اراضی دولت های خلقهای برادر و انحلال این بلوک هستیم. ما اعلام می کنیم که نا سیونالیسم بورژوازی و فاشیسم را تحمل نمی کنیم. ما در برابر مساعی حکومت ها برای پاشیدن بذر نفاق بین خلق های خود ایستادگی می کنیم.

۲- تضاد بین نیروهایی که احیای کاپیتالیستی را در جمهوری های ما را اجرا می کنند و مبارزان راه رشد سوسیالیستی خلق های برادر تشدید میگردد. شیوه اصلی حل این تضاد عبارتست از حل مسئله قدرت و تصاحب مالکیت بزرگ. نیروهای احیای کاپیتالیستی که در اکثریت جمهوری های اتحاد شوروی حکومت را قبضه کرده اند، برای تحکیم رشته های اصلی صنعت، ترانسپورت، انرژی و مواد خام در بخش خصوصی تلاش می کنند. ما بازگرداندن مالکیت ربهوده شده همه خلقی را توسط گروه جنایتکاران دولتی به دولت خلقی و

کلکتیو های کاری طلب می کنیم. ما طی ۱۵ سال، با تجربه شخصی خود متقاعد شده ایم که مالکان بزرگ و کارگزاران آنها در حکومت نه می توانند رشد کمی و نه رشد کیفی تولید صنعتی و کشاورزی را تامین نمایند و نه می توانند جامعه را از بیکاری، فقر، اضمحلال اخلاقی و نابودی جمعیت رها سازند. طی این سال ها هیچ یک از جمهوری های پیشین اتحاد شوروی، جاییکه هم اکنون دست نشانندگان سرمایه قرار دارند، به سطح رشد دوران شوروی دست نیاخته اند. جز بلاروس که ۸۰ درصد مالکیت بزرگ در دست دولت خلقی و کلکتیوهای کاری است.

3- بطور آشکار، تضاد بین پارلمانتاریسم بورژوازی و حکومت خلقی شوروی تشدید گردیده است. این تضاد در فعالیت تدوین قانون، در درجه متفاوت نمایندگی زحمتکشان در ارگان های حکومتی و شرکت کلکتیو های کاری در تهیه قوانین، در تحقق دموکراتیک انتخابات ارگان های متفاوت حکومت، در امکان پیشبرد رفتارندم های همه خلقی، در دفاع از حقوق بشر و شهروند بروز می کند. پارلمانتاریسم بورژوازی این مسائل را نمی تواند حل کند زیرا هدف آن عبارتست از قانونی کردن و دفاع کردن از حکومت همه جانبه سرمایه. کارزار اخیر انتخاباتی در اراضی سابق اتحاد شوروی تائید می کند که دموکراسی بورژوازی پیروزی برای احزاب و دست نشانندگان سرمایه را از طریق تقلب و توطئه خبری، شانتاژ، رشوه، تقلب و دستکاری در شمارش آراء تا مین می کند. ما حکومت بر خاسته از چنین انتخاباتی را قانونی نمی دانیم.

4- در مجموع، تمامی این تضادها در یک تضاد اصلی زمان ما یعنی تضاد کار و سرمایه خلاصه می شوند و بار دیگر پاسخ به این سؤال اساسی در دستور روز قرار گرفته است که چه کسی مالک جهان خواهد بود؟ کار یا سرمایه؟

کلاسیک های مارکسیسم از نظر علمی اجتناب ناپذیر بودن پیروزی کار بر سرمایه را ثابت کردند و بلشویکها- لنینیست ها- سازندگان و مدافعان سوسیالیسم این امر را در عمل نشان دادند. امروزه نزدیک به ۱,۵ میلیارد انسان علیرغم شکست موقت سوسیالیسم در اتحاد شوروی، در راه ساختمان سوسیالیسم گام بر می دارند. در جمهوری های ما در شرایط ترور پلیسی دیکتاتوری بورژوازی و قتل های سیاسی، تعداد شرکت کنندگان در اقدامات اعتراضی برای عدالت اجتماعی، علیه استثمار انسان از انسان، علیه افزایش قیمت ها، جنایت و فساد همگانی که تمامی ساختار حکومت را در بر گرفته است افزایش می یابد. حکومت ضد خلقی تنها ادای مبارزه با فساد را در می آورد. تنها حکومت خلق زحمتکش میتواند فساد همگانی را از بین ببرد.

5- کمیته اجرائی شورای اتحاد احزاب کمونیست- حزب کمونیست اتحاد شوروی مصمم است که افزایش و وخامت تضادها از احزاب کمونیست مدرنیزه کردن متناسب فعالیت خویش در رابطه با پروراندن شعور اجتماعی توده های خلقی، واکنش موثر و شایسته به دسیسه های سرمایه را طلب می کند. اتحاد و وحدت تمامی نیروهای خلقی- دموکراتیک تحت رهبری آوانگارد کمونیستی، همکاری و کمک به کلکتیوهای کاری در مبارزه برای عدالت اجتماعی لازم و ضروری است. پایه وحدت توده های خلقی عبارتند از طبقه کارگر، مهندسان-تکنیسین ها و کارکنان علمی که بیانگر منافع حیاتی تمامی اقشار مردم علیرغم تعلقات ملی، سن جنسیت و مذهب است.

6- تلفیق اقدامات اعتراضی زحمتکشان با شرکت آنان در کارزار انتخاباتی، در کار ارگان های قانونگذاری بستگی به رهبری سیاسی توسط احزاب کمونیست، سطح تاثیر آنان در بین جمعیت زحمتکش، بویژه در بین کارگران و جوانان دانشجو دارد. کمیته اجرائی توجه کمونیستها را به امر بسیار مهم- جلب جوانان، تلفیق کمونیست های با تجربه با جوانان در ترکیب ارگانهای رهبری حزب جلب می کند.

۷- وسعت و بغرنجی وظایفی که در برابر احزاب کمونیست قرار دارند، وحدت یگان های حزبی، ارتقای بلوغ ایدئولوژی مارکسیسی-لنینیستی کمونیست ها، تامین رزمندگی در مبارزه برای منافع اساسی اجتماعی طبقه کارگر و تمامی خلق زحمتکش، ارتباط تنگاتنگ با اتحادیه ها، سازمان های جوانان، زنان و کار آزمودگان را طلب می کنند. از اینرو رابطه آشتی ناپذیر نسبت به اخلاق و ایدئولوژی بورژوازی، آنتی کمونیزم، بدنام کردن نظم سوسیالیستی شوروی، اپورتونیزم در فعالیت احزاب کمونیست و تلاش برای انشعاب در این احزاب طلب میشود.

شرط اصلی فعالیت پیروزمند کمونیست ها برای دستیابی به پیروزی کار بر سرمایه و اجرای وظایف سه گانه: استقرار حکومت خلقی شوروی، بازگرداندن کشورهای ما بسوی راه رشد سوسیالیستی، احیای مجدد دولت متحد خلق های برادر، تنها در سایه وفاداری به مارکسیسم-لنینیسم امکانپذیر است.

راه توده ۱۸۳ ۳۰,۰۶,۲۰۰۸